

حقوق بشر، جهان شمولی و نسبیت فرهنگی

دکتر نرین مصفا^۱

موضوع سخنرانی من حقوق بشر، جهان شمولی و نسبیت فرهنگی است البته همه مستحضر هستید که کی از ویژگی‌های جهان امروزی و یکی از مسائل مهمی که وجه تفاوتش با جهان گذشته است همین توجه به مسئله حقوق بشر است. واقعیت این است که اگر از مسائل سیاسی که در برخی مواقع خود حقوق بشر را مورد تهاجم قرار می‌دهد بگذریم حقوقی است شناخته شده. توجه به حقوق بشر امروزی نیست بلکه نظام بین‌المللی حقوق بشر که امروز ما با آن مواجه هستیم یک موضوع جدید است اگر حقوق بشر را حقوقی تعریف کنیم که تمام انسان‌ها به لحاظ انسان بودنشان بدون تمایز در زمینه نژاد، مذهب، زبان، جنسیت و یا ملیت دارا باشند، نه تنها چنین حقوقی باید دارای اعتبار و عمل جهانی داشته باشد بلکه باید به‌عنوان مشروع خواسته‌ها و آمال مردم جهان قرار بگیرد.

به طور کلی می‌توان ۲ سؤال اساسی را مطرح کرد: چه دلایلی برای جهان شمولی حقوق بشر وجود دارد؟ و در کنار آن چه چالش‌هایی برای جهان شمولی حقوق بشر مطرح می‌کنیم؟ اگر نگاهی به تاریخ داشته باشیم حقوق بشر سیر تاریخی خود را دارد و اگر از ارسطو شروع کنیم به یونان باستان، روم باستان، مذاهب بزرگ و آئین‌ها نگاه کنیم همه به نوعی حقوق بشر را در خودشان دارند و به جنبه‌هایی از آن هر کدام کمتر یا بیشتر توجه می‌کنند ولیکن آن مفهومی که امروزه به‌عنوان حقوق جهان شمول مطرح است برمی‌گردد به قرون جدید و بیشتر از همه

۱. عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و رئیس مرکز مطالعات زنان. سخنرانی فوق به دعوت پژوهشکده فلسفه و حقوق تطبیقی دانشگاه انجام گرفته است.



برمی‌گردد به تأسیس سازمان ملل متحد که این سازمان هم مستحضر هستید که بر روی ویرانی‌ها و خاکستر جنگ جهانی دوم تشکیل شد و مصیبت‌ها و تحملی که مردم در این جنگ به دلیل کشتارهای زیاد وقوع برخی از خشونت‌ها کرده بودند دلیل اصلی تشکیل این سازمان بود.

در هر حال این سازمان هم در طول حیات خود سعی کرده است که در غالب فعالیت‌های مختلفی که انجام داده ابتدا از تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر و بعد اسناد دیگر حقوق بشر که شاید حدود ۱۰۰ سند در شکل اعلامیه، معاهده، بیانیه، و به صورت مختلف داشته و در حال حاضر ۸ سند مهم لازم‌الاجرا داریم که من به آن اشاره خواهم کرد، برگزاری کنفرانس‌ها و اقدامات دیگر و نهادسازی در جهت تأمین حقوق بشر در عرصه بین‌المللی و بعد حمایت از آن و مهمتر از همه کوشش در جهت جهان‌شمولی حقوق بشر انجام داده است.

در ابتدا می‌توان اشاره کرد که ما یک سلسله حقوق شناخته شده داریم که در مسیر تاریخی و در مکاتب مختلف وجود داشته، برخی کامل‌تر و برخی محدودتر، بحث ارتباط و همگرایی بین این حقوق است که چگونه این حقوق با هم ارتباط دارند و در نهایت قلمرو سرزمینی و حقوقی است که امروزه توسط کشورها در قالب اسناد و معاهدات بین‌المللی پذیرفته شده. بنابراین طرفداران جهان‌شمولی حقوق بشر معتقدند با توجه به قبول گسترده نسبت به معاهدات بین‌المللی حقوق بشر ما می‌توانیم جهان‌شمولی حقوق بشر را مورد توجه قرار بدهیم.

من می‌خواهم بین دو مفهوم هم تفاوت قائل شوم یکی بحث مفهوم "consect" و دیگری بحث "consecttion"، که بیشتر برمی‌گردد به تفسیری که حد ارتباط با این حقوق ما می‌توانیم داشته باشیم. در ارتباط با حقوق بشر می‌توانیم صحبت از حق حیات، حق کرامت انسانی، حق مشارکت سیاسی، حق آزادی بیان، حق دسترسی به اطلاعات و دیگر حقوق کنیم که معمولاً مورد پذیرش جهانی قرار می‌گیرد. ولی وقتی که به تفاسیر مختلف از این حقوق می‌پردازیم می‌بینیم که در فرهنگ‌های مختلف و یا در نظام‌های مختلف تفاسیری مختلف وجود دارد. البته من بحث خواهم کرد که برخی از حقوق هستند که از دیدگاه اسلامی و کشورهای در حال توسعه و کشورهایی که دارای نظام ارزشی هستند مورد شناسایی قرار نگرفته‌اند.

بحث دیگری که در ارتباط با جهان‌شمولی حقوق بشر می‌توانیم نگاه کنیم بحث همگرایی و یا ارتباط متقابلی است که بین این حقوق وجود دارد.

از نظر تاریخی اگر به موضوع نگاه کنیم بعد از اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ که



اولین سند نوشته شده رسمی بعد از سازمان ملل متحد بعد از منشور، از زمینه حقوق بشر است ملل متحد کوشش در جهت تدوین ۲ سند به نام میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی کرد که این دو میثاق بیانگر خواسته‌های دو تفکر بعد از پایان جنگ سرد بود. در عرصه بین‌المللی تفکر لیبرال که بیشتر حمایت از حقوق مدنی و سیاسی می‌کرد و دیگری تفکر مبتنی بر سوسیالیست که حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی را مورد توجه قرار می‌داد.

در سال ۱۹۶۶ بود که این دو میثاق توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شد. نکته قابل توجه این است که حتی زمانی که این دو میثاق تصویب شد تا سال ۱۹۷۶ طول کشید که این میثاق‌ها لازم‌الاجرا شوند و بنابراین هنوز جامعه جهانی در شرایطی نبود که آنچه در میثاق آمده بود و فقط هم حقوقی را به صورت مشخص مطرح می‌شد مورد پذیرش قرار بدهد ولی بعدها در اثر کوشش‌هایی که خصوصاً در دهه ۸۰ و بعد از فروپاشی شوروی صورت گرفت و بعد از آن در سال ۱۹۹۳ کنفرانس جهانی حقوق بشر وین برگزار شد، توجه بر این دو میثاق و اینکه بعضی از کشورها یکی از این دو میثاق را امضاء می‌کردند و دیگری را مورد امضاء و مورد الحاق قرار نمی‌دادند، اعلامیه وین ۱۹۹۳ بحث رابطه متقابل و تفکیک‌ناپذیری این حقوق را مطرح کرد.

نکته دیگری که می‌خواهیم به آن اشاره داشته باشیم بحثی که امروزه در ارتباط با جهان‌شمولی حقوق بشر مطرح می‌کنند و آن پذیرشی است که نسبت به اسناد بین‌المللی حقوق بشر وجود دارد جدا از اعلامیه جهانی حقوق بشر که در شکل اعلامیه مصوب شد و هیچ‌گاه مورد امضاء قرار نگرفت ولی کم‌کم با توجه به تکرار آن در اسناد بین‌المللی و موارد دیگر به صورت یک عرف به آن نگاه شد.

ما در حال حاضر ۸ سند لازم‌الاجرا در عرصه بین‌المللی داریم که تقریباً برخی از اینها اکثریت جهان‌شمولی دارند میثاق حقوق مدنی و سیاسی، البته امضای آن هنوز به تعداد کشورهای عضو ملل متحد نرسیده است، اطلاعات روزمن می‌گوید: ۱۷۸ کشور است، میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، کنوانسیون رفع تبعیض نژادی مصوب ۱۹۶۶ - کنوانسیون رفع شکنجه و تمام اشکال رفتار تحقیرآمیز و تحقیردهنده کرامت انسانی مصوب ۱۹۸۴ - کنوانسیون رفع تبعیض همه‌جانبه نسبت به زنان مصوب ۱۹۷۹، کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹، که در حال حاضر ۱۹۲ کشور جهان عضو آن شده‌اند. کنوانسیون رعایت حقوق کارگر مهاجر و خانواده‌های آنان مصوب ۱۹۹۰ و در نهایت کنوانسیون که در سال ۲۰۰۶ بعد از سال‌ها غفلت جامعه جهانی



نسبت به حقوق افراد دارای معلولیت در مجمع عمومی سال ۲۰۰۶ مورد تصویب قرار گرفت در ارتباط با رعایت همه‌جانبه حقوق افراد دارای معلولیت و رعایت کرامت آنها. و این کنوانسیون در ۳۰ مارس، ۲۰۰۷ برای امضاء گشوده شد و کشورها طبق امکاناتشان به این کنوانسیون ملحق می‌شوند.

نکته قابل توجه این است که بین پذیرش و الحاق کشورها و اجرای این اسناد معمولاً یک شکافی وجود دارد که در حله اول می‌شود گفت که این شکاف در همان لحظه الحاق وجود دارد یعنی دولت‌ها با رزویشن و حق تحفظ به این اسناد ملحق می‌شوند که درباره کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان تعداد کشورهایی که با رزور و با حق تحفظ به کنوانسیون ملحق شده‌اند بسیار زیاد است و این تصور که فقط کشورهای اسلامی هستند که این کنوانسیون را با حق تحفظ قبول کردند درست نیست، خیلی از کشورهای دیگر مثل آلمان، ژاپن، انگلستان نسبت به این کنوانسیون حق تحفظ داشته‌اند و یا در ارتباط با کنوانسیون حقوق کودک در حالی که ۱۹۲ کشور جهان عضویت آن را دارند ولی بسیاری از کشورهای دنیا و اسلامی و برخی از کشورهای دیگر نسبت به برخی از مواد این کنوانسیون حق تحفظ دارند و یا اسناد دیگری مثل کنوانسیون شکنجه، میثاق حقوق مدنی سیاسی، اقتصادی اجتماعی و غیره بنابراین این وجه جهان‌شمولی بودن سرزمینی که ما فقط از تعداد کشورهای عضو معاهدات بخواهیم که که جهان‌شمولی را نتیجه بگیریم با رزویشن‌ها و حق تحفظ میزانی به چالش کشیده می‌شود.

البته در برخی از زمینه‌های جهان‌شمولی حقوق بشر هم ما می‌بینیم که به هر حال اختلافات بیشتری بین کشورها وجود دارد و برخی از این زمینه‌هاست که بیشترین چالش را برای اجرای اسناد و به چالش کشیدن حقوق بشر مطرح می‌کند مسئله آزادی مذهب، مسئله زنان، کودکان اینها موضوعاتی است که بیشترین تفاوت‌های فرهنگی را به صورت عملی در اجرای موازین بین‌المللی و هنجارهای حقوق بشری ایجاد می‌کند.

چالش دیگری که در عرصه جان‌شمولی حقوق بشر به آن نگاه می‌کنند وجود ترتیبات منطقه‌ای حقوق بشر در عرصه جهانی است که برخی از نویسندگان و محققان حقوق بشر البته بیشتر در سال‌های گذشته آنها را چالشی برای جهان‌شمولی حقوق بشر مطرح می‌کنند ما در حال حاضر از همان نهادهای منطقه‌ای حقوق بشر را در اروپا کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، در آمریکا کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، در آفریقا منشور حقوق بشر و مردم آفریقا را داریم ولی



متأسفانه هنوز قاره آسیا به دلایل متعدد فرهنگی، سیاسی، نتوانسته دارای این تشکیلات باشد. البته سه قاره دیگر برخی از این نهادها جنبه اجرایی ندارند مانند اعلامیه اسلامی حقوق بشر منشور اتحادیه عرب یا منشور ستول در ارتباط با حقوق بشر وجود دارد که اینها هیچ کدام سازوکارهای خودشان را ندارند. در این میان برخی مطرح می‌کنند که اصولاً چه لزومی برای داشتن این منطقه‌ای است. ولی اگر ما یک نگاهی به این ترتیبات منطقه‌ای داشته باشیم می‌بینیم که ۴ ویژگی این نظام‌های منطقه‌ای دارند که آنها را نه به‌عنوان چالش بلکه به‌عنوان یک مکمل نظام بین‌المللی حقوق بین‌المللی می‌توانیم در نظر بگیریم. اگر ما به اسناد بین‌المللی مثلاً دو میثاق اول که بسیار مهم هستند یعنی میثاق حقوق مدنی و سیاسی، میثاق حقوق اجتماعی اقتصادی فرهنگی و پروتکل وابسته به حقوق مدنی سیاسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر نگاه بیاندازیم. صحبت از حقوق شده ولیکن هیچ تعریفی از این حقوق به میان نیامده است. در حالی که نظام‌های منطقه‌ای حقوق بشر از طریق سازوکارهای خودشان و از طریق دیوان‌های مرتبط در این کار، دست به تعریف این حقوق زده‌اند که بعدها مورد تقلید سازمان ملل هم قرار گرفته است. فرضاً معانی و تعاریفی که از شکنجه، آزادی مذهب تعریفی که از موارد دیگر است، حاصل کاری است که در فرایند ترتیبات منطقه‌ای حقوق بشر صورت گرفته است. نکته دیگری مطرح می‌شود و آن را نمی‌توان به‌عنوان چالش، بلکه به‌عنوان مکمل نظام بین‌المللی تلقی کرد بحث پذیرش شکایات فردی است که این ترتیبات منطقه‌ای دارای نظام‌هایی هستند برای دریافت شکایات‌های فردی. نکته دیگری که بیشتر به بحث ما برمی‌گردد نقش نظام‌های منطقه‌ای در پرداختن به مشکلات خاص منطقه‌ای است. یعنی اگر ما نگاهی به رأی نهاد اروپایی داشته باشیم بیشتر مباحثی که در اروپا پیرامون آزادی‌های مدنی وجود دارد در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر وجود دارد. اگر نگاهی به منشور حقوق بشر و مردم آفریقایی بیافکنیم می‌بینیم که مسائلی که معمولاً در نسل سوم حقوق بشر. در نسل هم‌بستگی مطرح می‌شوند مثل حق تعیین سرنوشت، حق صلح، توسعه حق بودن با خانواده و زیستن در کنار قبیله در این فرایند منطقه‌ای آفریقا مورد توجه قرار گرفته و با آن سازوکارهایی که در قالب کمیسیون، دیوان و دادگاه‌هایی که ترتیب داده‌اند نسبت به موضوعاتی که مهم است در هر کدام از مناطق توجه نشان داده شده و به نظر می‌آید که اینها در نهایت می‌توانند حمایت بیشتری را برای مردمی که در منطقه خاص جغرافیایی و فرهنگی به سر بیرند فراهم بکنند.

مباحث آسیایی حقوق بشر و شاید یکی از مهم‌ترین مباحثی که امروزه در ارتباط با



جهان‌شمولی حقوق بشر و نسبت فرهنگی مطرح می‌شود برخاسته از قاره آسیا می‌باشد به هر حال قاره آسیا جایگاه برخاستن ادیان بزرگ دنیاست آئین‌هایی مثل کنفوسیوس، بودیسم،... و آئین‌های دیگر و قاره آسیا طبق تاریخ جایگاه برخاستن اخلاق و بسیاری از ویژگی‌هایی است که الان در تدوین آسیایی حقوق بشر مورد توجه قرار می‌گیرد. از طرف دیگر وسعت قاره، وجود فرهنگ‌های مختلف، سابقه استعماری و بیان و ترویج ارزش‌های آسیایی که بیشتر در کشورهای شرق آسیایی مطرح می‌شود مانند ایران، هندوستان، تایلند، پاکستان، یمن که همه این کشورها هم در جریان کنفرانس ۱۹۹۳ وین چالش‌هایی را پیرامون جهان‌شمولی حقوق بشر مطرح می‌کردند الان در منطقه‌ای آسیا نظارت خود را دارند.

بحث دیگر این است که اگر به منشور حقوق بشر و آفریقا نگاه کنیم که سندی را برای رفاه کودک و در کنار آن برای پناهندگان تصویب کرده در همین سال ۲۰۰۵ یک پروتکل را برای حمایت بیشتر از زنان آفریقایی تحصیل کردند به دلیل تعارضات مسلحانه‌ای که در آفریقا وجود دارد و زنان در کنار کودکان بیشتر آثار خشونت‌ها و مسائل جنگ‌ها را تحمل کردند و یا حتی با توجه به اهمیت مسائل خشونت نسبت به زنان در قاره آمریکا و میزان آماری که در کشورهای لاتین بالاست پروتکلی به کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر وابسته شده بنابراین این مطرح می‌شود که اسناد منطقه‌ای حقوق بشر از دیدگاهی به عنوان مکمل نظام بین‌المللی حقوق بشر مطرح شوند و از دیدگاهی به عنوان چالش‌هایی در حقوق بشر جهانی و حقوق بشری که نظام بین‌الملل خود را در قالب اقداماتی که سازمان ملل متحد به عمل می‌آورد دنبال می‌کند. مبحث دیگری که در ارتباط با جهان‌شمولی حقوق بشر مطرح می‌شود بحث توجه به سازمان‌های غیردولتی و نقشی است که آنها در ترویج و حمایت از حقوق بشر به عهده دارند ولی نکته مهم در بحث حقوق بشر این است که در حالی که این سازمان‌های غیردولتی اهمیت خود را دارند، ولی بیشتر اینها در کشورهای غربی رشد کرده‌اند نگاهی که به حقوق بشر دارند نگاهی است برخاسته از کشورهای غربی. و اینها کشورهای دیگر جهان را براساس موازین و هنجارهایی که بیشتر مورد پذیرش کشورهای غربی است مورد نقد و ارزیابی قرار می‌دهند نکته قابل مطرح این است که آنچه که امروز کشورهای جهان سوم به عنوان حقوق بشر دنبال می‌کنند به نوعی کارشناسی شده در کشورهای غربی یا برخی از کمک‌های فنی از طرف این کشورهاست که این انتقاد را به میان می‌آورد. که این حقوق بشر و بحث جهان‌شمولی حقوق بشر، چالش‌های پیرامون آن در ارتباط با



نسبت‌گرایی فرهنگی وجود دارد، بحث این است که معمولاً بحث سیاسی حقوق بشر و آن برخوردارهای گزینشی و دوگانه‌ای است که نسبت به نقص حقوق بشر در کشورهای صورت گرفته است، همان مواردی است که کمیسیون حقوق بشر را که به‌عنوان عالی‌ترین مقام حقوق بشر کار می‌کرد، مورد چالش قرار داد.

نکته‌ای که وجود دارد این است که در روی خود حقوق بشر، حقوق شناخته‌شده بین‌المللی، پذیرش جهانی کمتر صحبت است وقتی به اجرای حقوق بشر می‌رسیم معیارهایی که برای اجرای موازین گذاشته می‌شود معمولاً مورد انتقاد قرار می‌گیرد و حتی در قطعنامه تأسیس حقوق بشر این موضوع توجه شده و خواسته شده که به بحث جهان‌شمولی در کنار امکان اجرای موازین بین‌المللی توجه داشته باشد.

موضوع دیگری که در عرضه بین‌المللی به عنوان یک چالش عمده حقوق بشر مطرح می‌شود و طبیعی است که اثرات خود را روی گفتمان حقوق بشر هم داشته باشد بحث فقر است. براساس آخرین گزارش سازمان ملل متحد طی چند روز گذشته هر روز یک میلیارد نفر انسان گرسنه در جهان وجود دارد که شب گرسنه سر بر بالین می‌گذارند و تا زمانی که فقر به‌عنوان بزرگترین معضل در رعایت حقوق بشر وجود دارد این نگاه ساختاری به حقوق بشر نیز وجود دارد و این نشانه این است که در برخی جوامع به قدری فقر مطلق وجود دارد که حتی مفاهیم حقوق بشر معنا پیدا می‌کند.

نکته دیگری که امروز نیز در مباحث جهان‌شمولی حقوق بشر در آن نگاه می‌شود و چالشی است و می‌خواهند بیشتر به بحث فرهنگی بپردازند، بحث بی‌عدالتی است. همه ما می‌دانیم که امروز جهان بیشتر از هر زمان دیگر شکاف بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه درون جامعه هم بین افراد غنی و فقیر را تحمل می‌کند آیا مبارزه برای عدالت در جهانی که بی‌عدالتی مسلط است امکان‌پذیر است یا خیر؟ چه تفسیری می‌توان در شرایط و مواقع مختلف کشورها برای رعایت حقوق بشر داشته باشیم؟ همانگونه که اشاره شد هم از نظر زمینه‌های مورد توجه در فرهنگ‌های مختلف نسبت به رعایت حقوق بشر و هم نکاتی که در عرضه بین‌المللی وجود دارد دلایلی برای حمایت از جهان‌شمولی حقوق بشر وجود دارد و در کنار آن چالش‌های عمده‌ای برای بحث و گفتمان جهان‌شمولی حقوق بشر نیز وجود دارد.

نکته قابل اشاره در بحث حمایت از جهان‌شمولی حقوق بشر، این است که سنت‌گرایی



فرهنگی تا حدودی که نقص حقوق بشر نینجامد، می‌تواند مورد تأکید قرار بگیرد امروزه با وجود رزرویشن‌های متعدد، سیستم‌های منطقه‌ای، سازمان‌های غیردولتی که وظایف خودشان را به‌طور کامل انجام نمی‌دهند بحث فقر، بی‌عدالتی، مسائل فرهنگی و مذهبی که هر یک برای خودشان دارای سابقه بیشتر از حقوق بشر در رعایت حقوق بشر می‌باشند نمی‌توانند جهان‌شمولی مطلق را در نظر گرفت از طرف دیگر نسبی‌گرایی مطلق فرهنگی که هر منطقه و هر فرهنگی بتواند با توجه به معیارهای خود به‌صورت مطلق به حقوق بشر نگاه کند جایگاه خود را دارند. در حقیقت اگر بردی را در نظر بگیریم یکی از جهان‌شمولی مطلق و بعدی را نسبی‌گرایی مطلق در نظر بگیریم، بیشتر بر روی این برد نقاط وسط را می‌توانیم در نظر بگیریم که حقوق شناخته شده بین‌المللی مورد احترام قرار بگیرد. در عین حال با توجه به ویژگی‌های فرهنگی اجتماعی چگونگی رعایت این حقوق هم مورد حمایت و پشتیبانی قرار بگیرد. بحث نسبی‌گرایی فرهنگی را هر چه بیشتر مورد توجه قرار بدهیم باید به زمینه‌های فرهنگی نگاه عمیق‌تری داشته باشیم، از طرفی جهان‌شمولی واقعی حقوق بشر و پیدا کردن این جهان‌شمولی فقط با احترام و یک‌نگری فرهنگ‌ها پیدا می‌شود. مثل سایر مسائل عهده جهان معاصر، راه نگاه به حقوق بشر نیز یک نگاه همه‌جانبه و برخوردار همه‌جانبه و کلی نسبت به موضوع است. مسأله این است که اسناد و اقدامات بین‌المللی با کلمات زیبا و فرین و آمال زیادی نوشته شده‌اند. اما در واقعیت عملی زندگی مردم و واقعیت عملی اجرای آنها شکاف زیادی می‌بینیم. مانند اسناد حقوق بشر دوستانه بین‌المللی که در حال حاضر در کشورهای خاورمیانه میزان زیادی از این تفاوت‌ها دیده می‌شود. بحث اجرای حقوق بشر فقط با تأیید یا رد این اسناد مربوط نمی‌شود بلکه به ایجاد شرایط ممکن و لازم برای تحقق حقوق بشر و از همه مهم‌تر ترویج رعایت حقوق بشر مربوط می‌شود. صحبت‌های زیادی در ارتباط با گسترش حقوق بشر در قرن‌های گذشته وجود دارد، بسیاری از کشورهای غربی که خود در حال حاضر ناقص حقوق بشر هستند واقعیت تاریخی هم در این خصوص وجود دارد. آنچه که فرانسه در الجزایر انجام داده، آنچه آمریکا در رواندا کرده، آنچه در فلسطین اتفاق می‌افتد، آنچه در کشورهای در حال جنگ روی می‌دهد، برخوردهای واقعاً سیاسی و نامناسبی است. ولی نکته قابل طرح با وجود تمام این مسائل این است که انسان‌ها دارای حقوقی هستند که این حقوق باید مورد رعایت قرار بگیرد و هر انسان با توجه به انسان بودنش و بدون توجه به رنگ، نژاد، جنسیت و مذهب می‌بایست حقوقش اجرا شود و مورد احترام واقع گردد.



اما در مورد سؤال حق تحفظی که کشورهای مختلف به ویژه کشورهای اسلامی و کنوانسیون رفع تبعیض برای خود قائل شده‌اند باید عرض کنم: حق تحفظ یک بحث سیاسی دارد یک بحث حقوقی، بحث سیاسی این است که در سال‌های ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ سازمان ملل متحد به خاطر اینکه هر چه بیشتر این اسناد را جهان‌شمول کند منعی برای تحفظ و رزرو اسناد بین‌المللی نگذاشت و تشویق می‌کرد که کشورها حتی با رزرو اسناد بین‌المللی را امضاء کنند برای همین هم خیلی از کشورها وقتی که می‌دیدند می‌توانند برخی از این موارد را رزرو کنند می‌پذیرفتند و سازمان ملل هم دست را باز گذاشته بود که تعداد کشورهای عضو زیاد شود. انگلستان، ژاپن، فرانسه هیلی از کشورها کنوانسیون را در برخی مواد و البته نه مواد خیلی زیادی تحفظ نسبت به آن داشتند ولی بعد وقتی که دیدند تعداد تحفظ‌های کنوانسیون خیلی زیاد شده و اکثر کشورهای اسلامی هم خصوصاً بر مواد ۹، ۱۵ و ۱۶، تحفظ دارند شروع کردند به مطرح کردن آن و یک مسئله سیاسی شد و آن را به مجمع عمومی ملل متحد آوردند در سال ۱۹۸۸ در مجمع عمومی ملل متحد یک قطع‌نامه صادر شد که خواستار این شد که حق شرط‌ها را نسبت به کنوانسیون رفع تبعیض کم کنند و برخی از کشورها مثل لیبی که یک حق شرط کلی داده بود این کار را کرد و بعضی از مواد را مشخص کردند برخی معتقدند که اسناد حقوق بشری قابل رزرو نیستند. در حال حاضر گزارشات متعددی در کمیسیون حقوق بین‌الملل وجود دارد که حاکی از آن است که اسناد بین‌المللی حقوق بشر به خاطر ذاتشان رزرو بردار نیستند و اصلاً شما نباید این‌ها را رزرو کنید به خاطر اینکه مسئولیت دولت‌ها کم می‌شود از طرفی یک دیدگاه دیگری وجود دارد که می‌گوید براساس کنوانسیون وین ۱۹۶۹ به دولت اجازه داده که درباره پذیرششان نسبت به اسناد بین‌المللی حق شرط داشته باشند کشورها می‌توانند این حق شرط را داشته باشند حال مجموعه اینها به صورتی داده که درباره پذیرششان نسبت به اسناد بین‌المللی حق شرط داشته باشند کشورها می‌توانند این حق شرط را داشته باشند حال مجموعه اینها به صورتی مطرح شده که اگر حق شرط به روح کنوانسیون لطمه‌ای وارد نکند کشورها این آزادی را دارند که برخی از مواد که از عهده و استطاعت آنها بر نمی‌آیند و برای اجاره آنها مشکل دارند حق شرط را لحاظ کنند. در مورد کنوانسیون رفع تبعیض نسبت به زنان در حالی که سازمان ملل و مدافعینی که از طریق این کنوانسیون صحبت خود را مطرح می‌کنند معتقد هستند که باید این حق شرط‌ها را کم کرد ولی از طرف دیگر این توجه وجود دارد که اجرای این در برخی موارد ایجاد مشکل کند و اگر نسبت به



آن ماده اصلی که روح کنوانسیون است و خود تبعیض را مورد دقت قرار می‌دهد و توجه می‌کند. شما رزروی نداشته باشید امکان این که این کنوانسیون را با رزرو قبول کنید وجود دارد. مثلاً ماده ۹ در ارتباط با تابعیت زنان است. ماده ۱۵ و ۱۶، در ارتباط با حقوق کیفری و حقوق مدنی زنان در ازدواج، طلاق، حضانت، کفالت و در این موارد خیلی از کشورهای اسلامی نسبت به این مواد رزرو دارند و هنوز رزروشان پایدار است و می‌توانند براساس آنچه اعلام کردند و آنچه رزرو کردند بقیه مواد کنوانسیون را مورد توجه قرار دهند و البته دیدگاه‌های مختلف است عده‌ای در سطح داخلی معتقد هستند که پذیرش این کنوانسیون تعهدات بین‌المللی ما را بیشتر می‌کند و بعد انتقاداتی که وارد می‌شود اگر ما نتوانیم کنوانسیون را درست انجام دهیم بحث سیاسی خواهد شد عده‌ای هم معتقدند که کنوانسیون را با رزرویشن می‌شود پذیرفت البته این بحث کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان و در سطح جامعه کمی حساس است.

من به این مسئله اعتقاد دارم که آیا پذیرش یک سند بین‌المللی، صرف پذیرش، به تحقق حقوق بشر کمک خواهد کرد یا خیر؟ زمینه‌های مناسب تحقق آن حقوق شاید بیشتر از صرف یک پذیرش بتواند کمک کند ولی در عین حال تعهدات دولت‌ها در سطح بین‌المللی هم می‌تواند به ارتقاء حقوق بشر در عرصه حقوق داخلی کمک کند.